

فصل نامه جندی شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز

سال یکم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴

بررسی تطبیقی اندیشه بیداری اسلامی (مسأله وحدت) در آراء سید جمال الدین اسدآبادی و امام خمینی^۱

علی رضا کریمی^۲ (نویسنده مسئول)

محمد افسری راد^۳

محمد افسری راد^۴

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۲/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۴/۲/۲۰

چکیده

سید جمال الدین اسدآبادی و امام خمینی، دو نماینده بارز جریان بیداری اسلامی در دو دوره مختلفند که دایره شمول اندیشه و آراء این دو در زمینه بیداری اسلامی گسترده است. در این گسترده‌گی وجوه تشابه و تفارق در کلیات و جزئیات آراء وجود دارد. مسأله وحدت (وحدت اسلامی، وحدت ملل مسلمان و غیره) از کلیات مشابه با جزئیات متفاوت است که جایگاه مشخصی در مجموعه اندیشه‌های دو متفکر دارد. در مورد سید می‌توان گفت که وحدت، بن‌مایه و اساس مبارزه سیاسی وی بوده و در آراء امام خمینی این مسأله جزئی مهم از مجموعه فکری ایشان را تشکیل می‌دهد. بنابراین هدف این مقاله بررسی اندیشه وحدت نزد سید جمال الدین و امام خمینی است. به نظر می‌رسد نظریه‌پردازی دو متفکر در باب وحدت، تحت تأثیر شرایط مختلف به‌ویژه شرایط سیاسی زمان و کیفیت مبارزه سیاسی آن‌ها بوده است.

واژگان کلیدی: سید جمال الدین اسدآبادی، امام خمینی، وحدت اسلامی، بیداری اسلامی، جهان اسلام.

^۱ **تقدیر و تشکر:** این مقاله برگرفته از یک طرح پژوهشی است که بودجه آن از محل اعتبارات پژوهشی آموزشکده فنی و حرفه‌ای سما دانشگاه آزاد اسلامی اسلامی واحد اهواز تأمین شده است.

^۲ مدرس تاریخ در آموزشکده فنی و حرفه‌ای سما اهواز - اهواز alirazakarimi@yahoo.com

^۳ دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه شهید چمران اهواز mdafsari21@yahoo.com

^۴ مدرس تاریخ در آموزشکده فنی و حرفه‌ای سما اهواز - اهواز Kiomars_golestani@yahoo.com

مقدمه

از سیدجمال‌الدین اسدآبادی با عنوان آغازگر نهضت بیداری اسلامی در سده‌های اخیر نام می‌برند. سیدجمال‌الدین اسدآبادی اولین متفکر مدرن و فعال اجتماعی بود که نسبت به بیماری‌های اجتماعی جوامع مسلمان و ضعف‌های موجود در آن هشدار داد و در مقابل قدرت‌های غربی، اسلام‌گرائی را تبلیغ نمود. تأثیر او بر کشورهای اسلامی، مخصوصاً ایران و مصر شایان توجه است.

در هنگامه‌ای که استعمار در حال بسط نفوذ خویش در کشورهای مسلمان و حتی فراتر از آن در شرق قاره کهن بود، سیدجمال‌الدین اسدآبادی با آگاهی از عواقب شوم سیطره استعمار، منادی بیداری اسلامی شد و فریاد رسای اتحاد کشورهای اسلامی و مبارزه با استعمار را سر داد.

در چنین شرایطی سید جمال‌الدین اسدآبادی که از محضر دو مرجع عالی‌قدر زمان خویش، یعنی شیخ مرتضی انصاری و ملاحسینقلی درجزینی همدانی بهره برده بود و در هندوستان آشنایی‌هایی هم با علوم جدید پیدا کرده بود، به مقابله با استعمار انگلیس برخاست و ندای رسای بیداری اسلامی و وحدت جهانی مسلمین را سر داد.

سید جمال، حدود چهل سال در راه اسلام و در جهت بیدار کردن جوامع اسلامی مبارزه کرد، به افغانستان، هندوستان، مصر، روسیه، انگلیس، آلمان، عراق، عربستان، فرانسه، ترکیه و سایر سرزمین‌های تحت فرمانروایی امپراتوری عثمانی سفر کرد و در شهرهای ایران نیز به گشت و گذار پرداخت، با استبداد و بی‌تحریکی قاجاریه در ایران و سلاطین عثمانی ستیز نمود، با استعمارگران غربی (به‌ویژه انگلیس) به شدت مبارزه کرد، سخنرانی‌های مکرر و شورانگیز در سراسر جوامع مسلمان ایراد نمود، راه‌اندازی و انتشار نشریه ضیاء الخاقین، راه‌اندازی و انتشار مجله عروها لوثقی، نگارش و نشر مقالات و رسالات و بیانیه‌های فراوان، مبارزه با استعمار و استبداد در افغانستان و هندوستان و مصر و عثمانی و اروپا، ایجاد تشکلهای مختلف برای مبارزه با استعمار و استبداد، تلاش برای ایجاد اختلاف بین استعمارگران به منظور کاستن از فشار استعمارگران بر جهان اسلام، تلاش برای توجه دادن مسلمانان به قرآن و اسلام اصیل و... مطالعات فقهی وحدت جهان اسلام و مسلمانان، حاکمیت نظام اسلامی، بیداری مسلمانان و دفاع از سرزمین اسلامی و پاسداری از نوامیس و ارزش‌های اسلامی و ملی تنها آرزو و خواسته سیدجمال‌الدین بوده و در هر سرزمینی که قدم می‌گذاشت، وحدت مسلمانان و اعاده عظمت جهان اسلام را در رأس برنامه‌های خود قرار می‌داد. بررسی نقش امام خمینی در بیداری اسلامی از ابعاد گوناگون و نیز از سطوح مختلف امکان‌پذیر است. از اندیشه‌های فلسفی، عرفانی، فقهی، کلامی و اخلاقی امام خمینی تا عمل و موضع‌گیری‌های سیاسی او، بیانگر سطوح مختلف تأثیرگذاری وی است.

به لحاظ فراوانی کاربرد الفاظ در زبان امام خمینی (ره)، واژه وحدت، از مهم‌ترین کلیدواژه‌های ایشان در مباحث مربوط به بیداری اسلامی است، تا جایی که امروزه از ایشان به‌عنوان بزرگ‌ترین منادی وحدت اسلامی یاد می‌شود. اما آنچه در این مباحث مهم است، بازخوانی و بازسازی این الفاظ در قالب مدل نظری و ساختارمند نمودن آن بر اساس مبانی نظری اندیشه سیاسی امام خمینی است. این نوشتار می‌کوشد تا نظریه وحدت را از میان آراء متفاوت سیدجمال‌الدین و امام خمینی بررسی نماید.

در بررسی آراء و افکار جمال‌الدین اسدآبادی و امام خمینی سه مسأله اهمیت بسیاری دارند: ۱. اصل استقلال و آزادی؛ ۲. اصل بیداری اسلامی؛ ۳. اصل وحدت اسلامی.

اکنون می‌توان به لحاظ مفهومی، این سوال مهم را طرح نمود: از منظر سید جمال‌الدین اسدآبادی و امام خمینی مفهوم وحدت از چه جایگاهی در مقوله کلی‌تر بیداری اسلامی برخوردار است و هر یک از دو مبارز مذکور چه نظر یا نظراتی در تشریح این مفهوم داشته‌اند؟

راهکارهای وحدت از دیدگاه سید جمال‌الدین

سید جمال‌الدین بدون شک نه تنها از پیشگامان و منادیان همگرایی جهان اسلام، بلکه بنیان‌گذار آن محسوب می‌شود، چنانکه رشید رضا در مجله *المنار*، ذیل عنوان «بحث فی المؤتمر الاسلامی» می‌نویسد:

«اول صوت سمعناه فی هذا العصر يدعوا المسلمين الى التعارف والاتحاد والتعاون فی الرأى والسعى على تدارك ما حل بالمسلمين من الرزايا الاجتماعیه... هو صوت الحكمين جمال الدين والشيخ محمد عبده رحمهما الله تعالى»^۱.

«نخستین فریادی که در این عصر مسلمانان را به شناخت یکدیگر و اتحاد و همکاری در رأی و کوشش برای جبران آنچه بر مسلمانان عارض شده از گرفتاری‌های اجتماعی، دعوت می‌کرد، فریاد دو دانشمند مبارز، سید جمال‌الدین و شیخ محمد عبده بود، رحمت خدای بزرگ بر آن دو باد».

او یکی از نخستین کسانی است که راه چاره نابسامانی‌های ممالک و کشورهای اسلامی را در اتحاد و همبستگی جهان اسلام در برابر استعمارگران می‌دانست و در این راه به تلاش و کوشش بسیار دست زد. خود در این باره می‌گوید: «سازمان مغز و اندیشه خود را به تشخیص درد اصلی شرق و جست‌وجوی درمان آن اختصاص دادم. دریافتیم که کشنده‌ترین درد شرق، جدایی افراد آن از یکدیگر و پراکندگی اندیشه‌های آنان و اختلاف‌شان بر سر اتحاد و اتحادشان در اختلاف است. پس در راه وحدت عقیده و بیدار کردن آنان در برابر خطر غربی که ایشان را فراگرفته دست به عمل زدم»^۲.

اکنون ببینیم دستاورد این درمان و تلاش چیست. سید راهکارهای بسیاری ارائه کرد و گام‌های عملی مؤثری نیز برداشت، که در ذیل به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌گردد.

آگاهی بخشی مسلمانان از طریق انتشار نشریات

یکی از دردهای جهان اسلام به نظر سید، از یک طرف درد غفلت و بی‌خبری خودی است و از طرف دیگر هوشیاری و توطئه برنامه‌ریزی شده و هماهنگ استعمارگران و دشمنان اسلام؛ اما برای اینکه جوامع اسلامی دست از تفرقه و اختلاف بردارند و به همبستگی و شکوفایی ممالکشان بیاندیشند، باید این مسئله به درستی به آن‌ها تفهیم گردد. مطبوعات و انتشار نشریه به نظر سید یکی از راهکارهای مؤثر در این زمینه بوده است. وی در این زمینه می‌نویسد: «هر امتی را باید علی‌الدوام از برای صیانت اخلاق و حفاظت ملکات و راهنمایی

^۱ وائقی، سید جمال‌الدین حسینی پایه‌گذار نهضت‌های اسلامی، ص ۱۱۲.

^۲ سید جمال‌الدین و عبده، العروة الوثقی، ص ۱۳؛ حسینی طباطبایی، شیخ محمد عبده مصلح بزرگ مصر، ص ۳۸.

به سوی سعادت منبهی از غفلت و صائنی از هبوط و ساقی به سوی فضائل و قانندی به جانب کمالات... باشد... هیچ چیزی دارای این همه اوصاف نیست. مگر جراید و اخبارنامه‌های یومیه»^۱. بنابراین، باید هر ملتی که خواهان وحدت و همگرایی، دوری و پرهیز از تفرقه، هلاکت و بدبختی است و جویای مدنیت و رفاه اجتماعی است، نویسندگان و فرهیختگان آن جامعه باید به انتشار نشریات پردازند و مضرات آنچه را در جامعه مهلك است بیان نمایند و به روشنگری در جوامع اسلامی پردازند. از این رو، سید خود به این مهم همت گماشت. در افغانستان برای اولین بار انتشار نشریه *شمس‌النهار* به پیشنهاد سید و به دستور و اجرای امیر شیرعلی خان تحقق یافت.^۲

سید، برای بیداری مسلمانان در افغانستان در سال ۱۲۹۰ق/۱۸۷۳م به امیر شیر علی خان پیشنهاد راه‌اندازی یک نشریه را داد و امیر نیز موافقت نمود و در همین سال نشریه‌ای به نام *شمس‌النهار* خواسته سید را جامه عمل پوشاند. برای نخستین بار مردم افغانستان با خواندن این نشریه با دگرگونی‌ها و پیشرفت و ترقی سایر کشورها آشنا شدند. گرچه نام مدیر این نشریه ثبت نشده است، اما مطالب آن نشان می‌دهد که ادیبی وطن‌دوست و مصلح بوده که از عقب‌ماندگی کشور رنج می‌برده است. البته از افرادی به نام میرزا عبدالعلی‌خان و قاضی عبدالقادر به عنوان «مدیر» و مانند آن، در *شمس‌النهار* سخن به میان آمده است.^۳

رویکرد اصلاحی این نشریه و اندیشه‌های تجددگرایی آن از افکار سید نشأت می‌گرفت. حتی گفته می‌شود که سید افکار آزادی‌خواهی و اصلاحی خویش را از طریق نوشتار و انتشار *شمس‌النهار* برای مردم ابراز می‌نمود^۴ و طبق این قول، سید خود مستقیماً در انتشار افکار تجددگرایی این نشریه نقش داشته است. اما آنچه قابل انکار و تردید نیست، برنامه‌های اصلاحی است که سید آن را تنظیم نموده و به شیرعلی‌خان تسلیم کرده بود. بر اساس نقل کتب تاریخی و مقاله غلام جیرانی در *مجله کابل* و نیز مقاله سید قاسم رشتیا، برنامه اصلاحی که سید به امیر شیرعلی خان پیشنهاد نمود عبارت بود از:

اعلان استقلال سیاسی؛ اصلاح امور دربار؛ تشکیل کابینه وزرا؛ تنظیم سپاه؛ ایجاد مکتب‌های لشکری و کشوری؛ توجه به زبان ملی پشتو؛ تبدیل القاب و عناوین صاحب‌منصبان لشکری و کشوری از زبان بیگانه به زبان افغانی؛ تأسیس روزنامه؛ تأسیس شفاخانه، بیطارخانه (دامپزشکی) و پست‌خانه؛ احداث مسافرخانه در طول راه‌های مسافرت؛ احداث شهر جدید شیر پور (تعمیر شهر عصری)؛ ایجاد کاروان‌سرا.^۵

سید در حیدرآباد هندوستان نیز نشریه‌ای به نام *معلم شفیق* با همکاری محب حسین انتشار داد که مقالات فارسی آن را خود می‌نوشت و مقالات زبان اردو را بر عهده مدیران دیگر قرار داده بود.^۶ وی همچنین روزنامه دیگری به نام *حبل‌المتین* با تشویق سید جلال‌الدین کاشانی (مؤید الاسلام) تأسیس نمود.^۷ در سال ۱۳۰۹ ق نیز نشریه *ضیاء‌الخاقین* را به دو زبان عربی و انگلیسی در لندن دایر کرد که با همکاری میرزا ملکم‌خان، به‌طور ماهانه منتشر می‌شد.^۸

^۱ سیدجمال‌الدین، مقالات جمالیه، ص ۷.

^۲ واثقی، سیدجمال‌الدین حسینی پایه‌گذار نهضت‌های اسلامی، ص ۴۴.

^۳ آهنگ، سیر ژورنالیزم در افغانستان، ج ۱، ص ۵۶ و ۷۰-۷۱؛ غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، ج ۲، ص ۹۵۴.

^۴ آهنگ، همان، ص ۷۰.

^۵ جیرانی، سید جمال‌الدین اسدآبادی، ص ۳۵.

^۶ محیط طباطبایی، نقش سیدجمال‌الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین، ص ۶۲.

^۷ همان، ص ۳۹.

^۸ رئیس کرمی، سیدجمال‌الدین اسدآبادی و همبستگی جهان اسلام، ص ۱۳۱.

در مصر نیز سید و همکاران و مریدان او به انتشار نشریات متعددی پرداختند و بسیاری از نویسندگان و روزنامه‌نگاران مصری در تنویر افکار عمومی و بیداری اذهان مردمی مرید او بودند.^۱ «به تشویق او بود که سلیم النقاش و ادیب اسحاق مجله مصر و روزنامه التجارة و روزنامه مصر الفئات و سلیم عنحوری روزنامه مراةالشرق را به دو زبان فرانسه و عربی منتشر کردند».^۲ ماهنامه ابوظاره نیز به تشویق و همکاری سید توسط یک مصری به نام جمیس سانوا ایجاد شد و انتشار یافت.^۳ از قدم‌های مؤثر سید در این زمینه انتشار نشریه عروةالوثقی است. سید از هند با وعده پشتیبانی عده‌ای از مسلمانان روشنفکر آن سامان، عازم اروپا شد و با انتشار مجله مذکور، اصول اصلاحی خویش، به‌ویژه اتحاد اسلامی را، دنبال کرد.^۴ هرچند سید، همزمان با انتشار این مجله، مقالاتی در سایر روزنامه‌ها می‌نوشت و همچنین با سخنرانی و دیدارها و گفت‌وگوها بر اتحاد اسلامی پای می‌فشرد، ولی مهم‌ترین منبع مربوط به آرمان اتحاد اسلامی و دیدگاه‌ها و پیشنهادات و ارائه راهکارهای وی درباره اتحاد، مجله عروةالوثقی است. این مقالات، در عین حال که آمیخته از روح مذهبی و عرفانی و سیاسی در هم بود، گویی مواد و اصول طراحی را که سید برای اتحاد اسلام طرح کرده بود، تشریح و تجزیه و تطبیق می‌کرد.^۵

گفته می‌شود انتشار این مجله، گامی بس بزرگ در راه تفاهم و اتحاد مسلمانان بود و خود نیز از پیامدهای همبستگی مسلمانان به شمار می‌آمد، زیرا مخارج آن به‌وسیله مسلمانان تشکیلات عروة در مصر، هند و... تأمین می‌شد.^۶ در نخستین مقاله مجله، سید با اشاره به این همکاری‌ها و تصمیم مشترک مسلمانان خیرخواه، به‌ویژه مسلمانان هند و مصر، هدف بزرگ خود را ایجاد رابطه‌ای محکم و استوار بین مسلمانان دردمند و عدالت‌خواه می‌داند.^۷ سراسر مقالات عروةالوثقی، مشحون از دعوت به اتحاد جهان اسلام است و چندین مقاله مستقل نیز به این مهم اختصاص یافته‌است.^۸

از مهم‌ترین راهکارهای سید در جهت روشنگری و آگاهی‌بخشی مسلمانان، تشویق دوستان، مریدان و ارادتمندان خود به تألیف، ترجمه و نشر کتب و رسائلی بود که با مطالعه آن‌ها مردم به بیداری دست یابند.^۹ سید علاوه بر انتشار نشریات متعدد با همکاری دوستان و ارادتمندان، به نشر دیدگاه‌های خود در سایر مجلات و نشریات اقدام می‌نمود و از هر فرصتی در این زمینه، استفاده بهینه می‌کرد. وی در زمان اقامتش در فرانسه با تعدادی از روزنامه‌نگاران و مدیران و سردبیران روزنامه‌های فرانسوی آشنا شد و برای آن‌ها مقاله می‌نوشت و آن‌ها نیز ستونی برای نشر آرای وی اختصاص داده بودند که گاهی مقالات عربی سید را به فرانسه ترجمه می‌کردند و منتشر می‌ساختند.^{۱۰}

ایجاد حکومت واحد اسلامی

^۱ عنایت، سیری در اندیشه سیاسی عرب، ص ۸۳.

^۲ همان، ص ۹۴.

^۳ رئیس کرمی، سیدجمال‌الدین اسدآبادی و همبستگی جهان اسلام، ص ۱۳۲.

^۴ محیط طباطبایی، نقش سیدجمال‌الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین، ص ۹۸.

^۵ همان، ص ۹۹.

^۶ احمد امین، زعماء الإصلاح فی عصر الحدیث، ص ۸۲.

^۷ سیدجمال‌الدین، العروةالوثقی، ص ۸۰.

^۸ همان، ص ۶۷، ۷۳، ۷۹، ۱۰۶، ۱۱۰.

^۹ محیط طباطبایی، نقش سیدجمال‌الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین، ص ۳۸.

^{۱۰} عنایت، سیری در اندیشه سیاسی عرب، ص ۱۰۳.

یکی از راهکارهای آرمانی سید، ایجاد حکومت واحد اسلامی بود.^۱ وی خواهان جامعه‌ای بود که وحدت بر آن حاکم باشد، اختلافات نژادی، زبانی، منطقه‌ای و فرقه‌ای بر اخوت اسلامی فائق نگردد و مردم مسلمان امتی باشند آگاه و عالم به زمان و آشنا به فنون و صنعت عصر و آزاد از هرگونه قید استعمار و استبداد. نمونه‌ای که سید برای این نوع حکومت در نظر داشت، دولت اسلامی در صدر اسلام و حکومت واحد رسول خدا (ﷺ) بود. بدین‌منظور، سید خلافت عثمانی را که مرکزیت حکومت اسلامی در آن زمان بود می‌ستود و بر تقویت بنیه‌های آن می‌کوشید. ایشان در یکی از نوشته‌های خود به سلطان عثمانی نوشت: «اگر خدای نخواست بر دولت علیه عثمانی چشم زخمی برسد، نه مکه را قراری و نه مدینه منوره وقاری، بلکه نه از اسلام اسمی و نه از دین رسمی خواهد ماند و بعد از آن نه صوت اذانی خواهند شنید و نه قرآنی خواهند دید، مانند یهود بخارا خار و چون گوسفندان بی‌صاحب شکار گرگ ستمکار خواهند شد».^۲

اتحاد بر محور قرآن

سید پس از اندکی تلاش در جهت وحدت جهان اسلام و ایجاد الگوی حکومت صدر اسلام، تشخیص داد که امکان ندارد دولت واحد و حکومت واحدی تشکیل شده و فرمانروای واحدی زمام امور مسلمانان را به دست بگیرد؛ لذا اندکی از آن ایده آرمانی تنزل کرد و بر ارتباط میان تمام اعضای جوامع اسلامی بر مبنای قرآن پای فشرده و اعلام کرد: «من نمی‌گویم که به همه کشورهای اسلامی یک نفر حکومت کند، زیرا این کار بسیار مشکل است، ولی امیدوارم که حاکم و سلطان همه ملت‌های مسلمان، تنها قرآن باشد و عامل وحدت و یگانگی آن‌ها دین آن‌ها. با این وحدت هر پادشاهی می‌تواند در کشورش برای حفظ حقوق دیگر کشورهای اسلامی کوشش کند، زیرا حیات او به حیات آن دیگری و بقایش به بقای ملت دیگر مسلمان بسته است».^۳ این راهکار به نظر سید دست‌یافتنی و امکان‌پذیر بود. وی در مقاله «اتحاد ایران و افغان» وضعیت امارت‌های آلمان را مثال می‌زند که پس از تفرقه و تشتت، متحد شدند و از آن وضعیت نابهنجار نجات یافتند؛ لذا دولت‌های مسلمان نیز می‌توانند به اتحاد و همبستگی نائل شوند و نابسامانی‌های ممالکشان را بهبود بخشند.^۴

بازگشت به اسلام راستین

به نظر سید، آنچه عیب است از مسلمانی ماست نه از اسلام. علل اساسی تفرقه مسلمانان و انحطاط آنان، دوری از اسلام راستین و قرآن کریم است. وی بر این باور بود که مسلمانان سده‌های نخستین، به سبب اعتقاد و عمل به اسلام اصیل، که احکام آن دقیق و اصول آن نیرومند و قواعد آن محکم و دستورهایش همه رموز زندگی فردی و اجتماعی را شامل بود، با هم وحدت داشتند و کشورهای اسلامی در راه نیرومندی و عظمت گام بر می‌داشتند. فاصله از اسلام و تعالیم حیاتبخش آن، باعث تفرقه آنان شد. از این روی، اگر مسلمانان خواهان مجد و عظمت گذشته‌اند، باید به اسلام راستین بازگردند و قرآن را کتاب زندگی بدانند، نه کتاب مقدس و قابل احترام و بی‌ارتباط با زندگی.^۵ اگر ارتباط و پیوند مسلمانان و کشورهای اسلامی قطع

^۱ احمد امین، زعماء الإصلاح فی عصر الحدیث، ص ۸۴؛ سیدجمال‌الدین، العروة الوثقی، ص ۲۹.

^۲ سیدجمال‌الدین الحسینی، نامه‌ها و اسناد سیاسی - تاریخی.

^۳ سیدجمال‌الدین، العروة الوثقی، ص ۷۲-۷۳؛ احمد امین، زعماء الإصلاح، ص ۸۴.

^۴ سیدجمال‌الدین، العروة الوثقی، ص ۱۰۹.

^۵ همان، ص ۲۰-۱۹.

شده و در نتیجه از همکاری و تعاون یکدیگر در مصائب و مشکلات بی‌بهره مانده‌اند، به سبب دوری آنان از اسلام است. بالاتر، اگر مسلمانان در یک کشور، بلکه یک شهر، با هم رابطهٔ نزدیکی ندارند، به سبب فاصله از اسلام است.^۱

همبستگی و ارتباط عالمان دینی و متفکران اسلامی

به نظر سید، یکی از راهکارهای مهم و تأثیرگذار وحدت، ارتباط و همبستگی عالمان دینی و متفکران اسلامی است. سید موفقیت طرح اتحاد جهان اسلام را در لحظه‌ای عملی و دست یافتنی می‌دید که عالمان مذاهب اسلامی، به تفاهم برسند و به احساس مشترکی دست یابند.^۲ سید در این زمینه طرح‌هایی ارائه نمود که عبارت‌اند از:

۱. سازمان‌دهی درجات علمی و وظایف عالمان:

سید شکل‌سازی، سازمان‌دهی و تعیین مسئولیت عالمان دینی و درجات علمی آنان را در ایجاد ارتباط و اتحاد میان مسلمانان مفید و لازم می‌شمرد: «ایجاد استحکام و ارتباط میان مسلمانان، مستلزم این است که درجات علمی علمای اسلام و وظایف هر کدام از آن‌ها معین شود تا همواره آمادهٔ انجام وظیفه باشند».^۳ با توجه به نیازهای امروزی و تعیین سطوح و درجات علمی و نیز اظهار نظرهای غیرمسئولانهٔ برخی از عالمانها و ایجاد تفرقه و اختلاف از ناحیهٔ آنان، به نظر می‌رسد این طرح یکی از راهکارهای اساسی و راهبردی باشد. تعیین مدارج علمی و وظایف علما دست کم دو امتیاز دارد: اولاً، با تعیین سطوح و درجات علمی، هم روحانی و هم عامی می‌داند به چه کسی مراجعه شود و چه فردی پاسخگوی کدام مسائل و چه نوع اموری است؛ ثانیاً، هر عالمنمایی نمی‌تواند فتوا صادر کند و با شایعات و ترهات ذهنی و به ظاهر دینی، به تفرقه و اختلاف دامن بزند.

۲. ایجاد مرکزیت دینی و گفتمانی:

به نظر سید، علما باید برای ایجاد یک مرکزیت دینی تلاش کنند تا در این مرکز تبادل نظر و گفت‌وگوی عالمان دینی انجام شود، تا به وحدت نظر برسند. سید از رؤسا و زمامداران کشورهای اسلامی می‌خواهد به عنوان وظیفه و تکلیف، از این تجمع حمایت کنند و آن مرکز نیز از کارها و اقداماتی که به جمع آنان وحدت و یگانگی می‌بخشد غفلت نکنند.^۴ مبلغان و سخنوران نیز به جای اینکه به نقاط دور دست بروند، با کسانی که نزدیک‌تر هستند ملاقات و مذاکره کنند.^۵

به نظر ایشان، اول باید یک مرکزیت ایجاد شود، ارتباط و همگرایی بین دانشمندان حاصل گردد و بعد از اینکه هستهٔ اولیه شکل گرفت و بنیان‌های وحدت ثبات یافت، می‌توان آن را گسترش داد. به نظر وی، حوزه‌های

^۱ همان، ص ۲۳.

^۲ همان، ص ۲۴.

^۳ همان، ص ۳۰.

^۴ همان، ص ۲۲.

^۵ همان، ص ۳۳.

علمیه و مساجد بهترین مراکز برای ایجاد تفاهم و گفت‌وگوهای علمی و دینی‌اند. ایشان درباره بایستگی نقش این مراکز به عنوان حلقه‌های پیونددهنده اجتماعات مردم می‌گوید: «هر کدام از این‌ها مکانی برای ظهور روح زندگی واحد در میان جامعه مسلمانان باشد و هر کدام از این محل‌ها مانند حلقه زنجیری باشد که هرگاه یکی از آن حلقه‌ها تکان بخورد، حلقه‌های اطراف آن هم به صدا در آیند».^۱

ایجاد تشکیلات

کارهای مهم اجتماعی بدون برنامه‌ریزی، سیاستگذاری کلان و تشکیلات، به سامان نمی‌رسند. سید این نکته را به خوبی دریافته بود، لذا برای پیشبرد اهداف خود اقدام به تشکیل «جمعیت سّری عروه» نمود. مجله رسمی و علنی *عروه‌الوثقی* در واقع ارگان نشریاتی این جمعیت سّری بود. این جمعیت ابتدا در دوران اقامت چهار ساله سید در هندوستان (حیدرآباد و کلکته) ایجاد گردید و به تدریج و با همت و پشتکاری وی، شعبه‌هایی از آن در دیگر کشورها، از جمله مصر، تونس و دیگر نقاط شمال آفریقا و فرانسه نیز دایر شد.^۲ درباره نحوه تأسیس، فعالیت‌های سّری و شعب مختلف این جمعیت، در نامه‌ای که شیخ محمد عبده از تونس به پاریس می‌فرستد، آمده است: «با آنکه هفده روز است در تونس هستم نامه شما به تأخیر افتاده است. من در اینجا به علما و امرای تونس برخورددم و آن‌ها را شناختم و شما را به ایشان شناساندم و گفتم: عروه نام جریده‌ای نیست، بلکه نام جمعیتی است که سید، در حیدرآباد هند تأسیس کرده و شعبی در دیگر ممالک دارد؛ اما هیچ شعبه، شعبه دیگر را نمی‌شناسد و فقط رئیس از آن‌ها آگاه است. اینکه ما می‌خواهیم یک شعبه در اینجا تأسیس کنیم، پذیرفتند. من امروز کوشش می‌کنم که این جمعیت را تشکیل دهم، بیشتر اعضا از دانشمندان‌اند. یکی از آن‌ها شیخ ورستانی است و یکی شیخ ابوحاجب. من به زودی نام هم قسم آنان را به شما اطلاع می‌دهم. دوست دارم که کسی از نام آن‌ها مطلع نشود. به آن‌ها گفتم که کسی بر نام ایشان جز شما و من و خدا مطلع نخواهد شد.»^۳

روشن است که این جمعیت، تشکیلاتی سّری بوده و در سراسر کشورهای اسلامی شعبی دایر نموده بود. فعالیت‌ها نیز به نحوی انجام می‌گرفتند که شعبه‌ای از شعبه دیگر اطلاع نداشت. اعضای این جمعیت غالباً از میان افراد تحصیل کرده مسلمان، دردمند و به شدت علاقه‌مند به مکتب اسلام انتخاب شده بودند. برای عضویت در این جمعیت، سوگندنامه‌ای تنظیم شده بود و هر کس در این جمعیت وارد می‌شد، چنین سوگند یاد می‌نمود: «تعهد می‌کنم در حد توان، در راه زنده‌ساختن اخوت اسلامی تلاش کنم و آن را همانند وظیفه پدر و فرزند، نسبت به یکدیگر، انجام دهم و هیچ وظیفه‌ای را بر وظیفه دینی ترجیح ندهم و هیچ اقدامی را که ضرر دین در آن فرض شود، بر عهده نگیرم و از هر وسیله درستی که برای تقویت اسلام مفید باشد استفاده کنم و تا حد امکان، اطلاعات خود را نسبت به کشورهای اسلامی گسترش دهم.»^۴

هزینه‌های مجله *عروه‌الوثقی* نیز از طریق شعبه‌های همین جمعیت در سراسر ممالک اسلامی تأمین می‌گردید، چون هر یک از اعضا پس از پایان جلسه مبلغی که در وسع او بود، در صندوق کوچکی که منفذی

^۱ همان، ص ۳۴-۳۵

^۲ مهدوی و افشار، مجموعه اسناد و مدارک چاپ‌نشده درباره سید جمال‌الدین، ص ۶۳، سند شماره ۲۱۶.

^۳ همان، ص ۶۳-۶۴.

^۴ احمد امین، زعماء الاصلاح، ص ۸۰-۸۱.

داشت، می ریخت. میزان این کمک‌ها نیز سزی بود و هیچ‌کس نمی‌فهمید دیگری چه مبلغی تقدیم کرده‌است.^۱

سزی بودن این تشکیلات با توجه به جو اختناق آن روز شاید عامل بقا و استمرار آن محسوب می‌شد، ولی می‌توانست عامل اصلی عدم موفقیت آن نیز به شمار رود، به خصوص اینکه هیچ یک از اعضا از اعضای دیگر اطلاع نداشتند و تنها رئیس عامل ارتباطی محسوب می‌شد. در چنین تشکیلاتی، اگر رئیس بی‌انگیزه شود و یا حادثه‌ای برای او اتفاق بیفتد، کل تشکیلات از هم پاشیده می‌شود، زیرا دیگر هیچ راه ارتباطی در بین اعضا وجود ندارد.

این راهکار (ایجاد تشکیلات) بعداً نیز در بین مسلمانان ادامه یافت. تأسیس «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» توسط علامه محمد تقی قمی در مصر، شاید یکی از طرح‌هایی باشد که با الگوگیری از تشکیلات سید پایه‌گذاری شده و بسیاری از نقاط قوت آن، مانند گستردگی در کلیه جوامع اسلامی، استفاده از نیروی خلاق، تحصیل کرده و فرهنگیان اسلامی و... را دارد، ولی در عین حال نقاط ضعف آن مثل سزی بودن و اتکا به یک فرد را ندارد.

ایجاد کنگره و مؤتمر اسلامی

یکی دیگر از راهکارهای سید در جهت اتحاد اسلامی، ایجاد کنگره و مؤتمر اسلامی بود. هدف وی از تلاش در جهت ایجاد مؤتمر اسلامی این بود که با گردآوری عالمان مذاهب و نمایندگان کشورهای اسلامی در آن مجمع بزرگ، آنان به تبادل نظر و همفکری بپردازند و با اعلام نتایج آن به مردم، بتوانند مشکلات مسلمانان را حل کنند، نیروهای از دست‌رفته دین را دوباره تقویت نمایند، اسلام را از تهاجم و کینه‌جویی دشمنان سرسخت و لجوج حفظ کنند، از بدعت‌های بدعت‌گذاران جلوگیری نمایند و همچنین برای سیر علوم اسلام، بیداری مسلمانان، ترویج و گسترش اسلام و پاسداری از آن برنامه‌ریزی کنند.^۲

مرکز کنگره، مکه انتخاب گردید. سید درباره علت انتخاب مکه برای برگزاری آن می‌گوید: «انتخاب مکه بدین خاطر است که مرکز پیدایش دین اسلام و مرکز تجلی حق و یقین و بهترین مکان مقدس برای تجمع مسلمانان است. مهم‌تر از همه اینکه خانه خدا، کعبه نیز در مکه است و همه ساله مسلمانان در مراسم حج از شرق و غرب در آنجا حضور می‌یابند.»^۳

سید بر این باور بود که مسلمانان همه ساله با شرکت گسترده در مراسم حج و حضور در این گردهمایی با شکوه و تبادل نظر و توافق، می‌توانند اهداف پیش‌گفته را تحقق بخشند. سپس کواکبی طرح مؤتمر اسلامی را از سید گرفت، چنان که یکی از نویسندگان لبنانی در این باره می‌نویسد: «واما الکواکبی... قد اخذ فکره الافغانی فی عقد المؤتمر الاسلامی.»^۴

شناسایی عوامل تفرقه و طرد و نفی آنان

^۱ همان، ص ۸۲.

^۲ سیدجمال الدین، العروة الوثقی، ص ۳۵.

^۳ همان، ص ۶، مقاله اول.

^۴ واثقی، سیدجمال الدین حسینی پایه‌گذار نهضت‌های اسلامی، ص ۱۱۲.

همان‌طور که عوامل تفرقه می‌تواند درونی باشد، قطعاً می‌تواند بیرونی نیز باشد. به تجربه ثابت شده است که عوامل بیرونی و نفوذی بیشتر از عوامل درونی در بین مسلمانان به تفرقه و اختلاف دامن زده‌اند. بنابراین، مهم‌ترین راهکار ایجاد وحدت، شناسایی عوامل تفرقه و به‌ویژه عوامل بیرونی و خارجی است. از نظر سید، رژیم‌های استبدادی و دست‌نشانده، متحجران و ظاهرگرایان، غریب‌دگان و عالمان درباری، تعصب‌های نابجا، رذائل اخلاقی و فاصله از اسلام اصیل، از عوامل تفرقه مسلمانان به حساب می‌آیند که شناسایی و طرد و نفی آن‌ها، موجب اتحاد و همبستگی اسلامی را فراهم می‌سازد. مثلاً سید نتیجه تعصبات فرقه‌ای را چنین شرح می‌دهد: «در پی آن، جامعه مستحکم اسلام تجزیه گشت و به افراد تقسیم شد. هر کدام از آن‌ها دارای فرقه‌ای شدند و هر فرقه به دنبال خواسته‌ها و تمایلات خود رفت. عده‌ای به سوی ملک و حکومت، عده‌ای به جانب مذهب. به تدریج آثار آن عقاید و ایمانی که مسلمانان اولیه را به سوی وحدت و یگانگی دعوت می‌کرد و مردم را برای استحکام وحدت جامعه اسلامی بر می‌انگیخت، از روان مسلمانان زایل گشت و آنچه از ایمان و عقاید مذهبی در ذهن آنان باقی ماند، تبدیل به یک سلسله صورت‌های ذهنی شد که فقط در گنجینه خیال آنان حفظ می‌شد و حافظه آن‌ها هنگام نشان دادن معلومات نفسانی خویش، به آن صورت‌ها هم توجه می‌کرد.»^۱

طرح ائتلاف و تقریب دولت‌های مسلمان

یکی از راهکارهای اساسی و جدی سید در جهت همبستگی اسلامی که خود عملاً تلاش بسیاری برای تحقق آن به خرج داد، طرح ائتلاف و تقریب دولت‌های مسلمان بود. سید می‌کوشید دول اسلامی را متحد و همگام سازد. او تمام عمرش را در این زمینه وقف کرده بود: «مقاله می‌نوشت، سخنرانی می‌کرد، دیگران را به نوشتن مقالات و سخنرانی وا می‌داشت، با افراد مؤثر و صاحب نفوذ همچون علما و سران کشورهای اسلامی گفت‌وگو می‌کرد، همه را هشدار می‌داد و آنان را برای اتحاد دول اسلامی آماده می‌ساخت. در این زمینه به اتحاد دو دولت ایران و افغانستان بسیار دل بسته بود و همواره برای ائتلاف و همبستگی این دو کشور می‌کوشید.»^۲ طرح کلی‌تر سید، برنامه اتحاد و ائتلاف هندوستان، بلوچستان، افغانستان، ترکمنستان، بخارا... تحت لوای اسلام و خلافت عثمانی بود که در سال ۱۳۰۲ ش/۱۸۸۵ م طی نامه مفصلی پیشنهاد و به دربار خلافت عثمانی فرستاده شد و خود عهده‌دار انجام این طرح گردید.^۳

البته سلطان عبدالحمید، خلیفه عثمانی، ابتدا از این طرح حمایت کرد و سید را به دربار فرا خواند و سید نیز به استانبول شتافت و به عملیاتی‌سازی طرح کلان خود پرداخت و با استفاده از موقعیت به دست آمده، نامه‌هایی به زبان‌های گوناگون، از سوی سلطان و با مهر و امضای وی، برای امرا و حاکمان کشورهای اسلامی فرستاد.^۴ روابط گرم سلطان و سید طولی نکشید و توطئه درباریان و دسیسه‌های انگلیسی شروع شد. بالأخره

^۱ سیدجمال‌الدین، العروة الوثقی، ص ۳۴.

^۲ همان، ص ۱۰۶-۱۱۰.

^۳ مهدوی و افشار، مجموعه اسناد و مدارک چاپ‌نشده درباره سیدجمال‌الدین، تصویر ۲۶ و ۲۷؛ محیط طباطبایی، نقش سیدجمال‌الدین در

بیداری مشرق زمین، ص ۲۷۲-۲۸۰.

^۴ رشتیا، سیدجمال‌الدین افغانی و افغانستان، ص ۹۹؛ دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۱، ص ۹۹.

توطئه‌ها و دسیسه‌ها کار را به جایی رساند که خلیفه عثمانی به سید مظنون شد و اعمال و رفتار سید را به شدت تحت کنترل قرار داد.^۱

حتی اگر بگوییم که سید در اجرای تمام طرح‌هایش به موفقیت کامل دست نیافت و همه راهکارهای وی عملی نگردید، ولی می‌توان گفت حرکت سید و راهکارها و گام‌های بسیار مؤثر وی، سه نتیجه روشن و قابل توجه را برای جامعه اسلامی به ارمغان آورد:

۱. باعث تقویت روح اتحاد و اخوت مسلمانان جهان اسلام گردید؛
۲. موجب رشد و شکوفایی حرکت‌ها و جنبش‌های طرفدار اتحاد اسلامی شد؛
۳. و از همه مهم‌تر، پیروان برجسته‌ای پیدا کرد؛ کسانی چون کواکبی، رؤسای الازهر، شیخ عبدالقادر مغربی، امیر شکیب ارسلان، شیخ حسین جسر، مولانا ابوالکلام آزاد، اقبال لاهوری و بسیاری از علمای بزرگ شیعه در عراق و ایران که هر یک طلایه‌دار اتحاد اسلامی شدند و راه و آرمان سید را پس از وی دنبال کردند.^۲

راهکارهای وحدت از دیدگاه امام خمینی

یکی از تأثیرگذارترین رهبران وحدت‌طلب و پیشوایان اصلاح‌گرای معاصر، امام خمینی است. او نیز همچون سیدجمال‌الدین اسدآبادی بنیانگذار حرکت اصلاحی و وحدت‌طلبی و از برجسته‌ترین منادیان همبستگی و انسجام اسلامی به شمار می‌رود. اندیشه‌های وی در مرحله نظر باقی نمانده، بلکه غالباً جامعه عمل پوشیده است. در زمینه وحدت نیز راهکارهای اساسی و کاربردی برای تحقق این هدف بزرگ ارائه نموده است که در ذیل به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌گردد.

رهبری واحد

برای وحدت یک جامعه، رهبری واحد و اطاعت و پیروی از او، سخن نخست است. یعنی قبل از هر راهکار دیگر و انجام فعالیت در مسیر همبستگی، شناسایی یک رهبر واحد، گرد آمدن در کنار او و عمل به اوامر و دستورهای وی، از اهم راهکارهای وحدت به شمار می‌رود. این مسئله در دین امری پذیرفته‌شده و حتی مورد تأکید است. رسول خدا (ﷺ) می‌فرماید:

«إِصْمَعُوا وَأَطِيعُوا لِمَنْ وَلاَهُ اللهُ الأَمْرَ، فَإِنَّه نِظامُ الإِسْلامِ».^۳

«از حاکمان الهی اطاعت کنید و گوش به فرمان باشید، زیرا اطاعت از رهبری مایه وحدت امت اسلام است».

امام خمینی خود یک رهبر استثنایی و کاریزماتیک در این زمینه بود که محور وحدت و همبستگی جامعه اسلامی ایران گردید و انقلاب ۱۳۵۷ را به ثمر رساند. نقش رهبری واحد در این رویداد سیاسی مشخص است. حضرت امام خود در زمینه رهبری واحد نیز بسیار کوشا بود. ایشان تلاش بسیار زیادی در جهت انتقال مرحوم آیت‌الله بروجردی به قم و مرجعیت ایشان انجام دادند و نقش ایشان در جهت ایجاد رهبریت واحد در

^۱ خان ملک ساسانی، سیاستگران دوره قاجار، ص ۲۰۳؛ رشتیا، سیدجمال‌الدین افغانی و افغانستان، ص ۱۰۵؛ محمود محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس، ج ۵، ص ۱۶.۱۵.

^۲ محیط طباطبایی، نقش سیدجمال‌الدین در بیداری مشرق زمین، ص ۹۳-۱۲۸، زندگی‌نامه اجمالی عده‌ای از افراد فوق را آورده است.

^۳ شیخ مفید: امالی، ج ۱، ص ۱۴، مجلس ۲، حدیث ۲.

حوزه قم پس از رحلت مرحوم آیت‌الله حائری مورد اعتراف همه کسانی که در آن عصر در حوزه قم می‌زیسته‌اند، بوده است.^۱

همچنین امام در نجف اشرف کوشش بلیغی در جهت حفظ شأن و مرتبه آیت‌الله حکیم انجام داد و از هرگونه عملی که کوچک‌ترین اثری در جهت تضعیف ریاست عامه ایشان داشته باشد خودداری می‌کردند.^۲ امروزه اگر رهبری واحد سیاسی در تمام ممالک و جوامع اسلامی به خاطر تفکیک و تقسیم جغرافیایی ممکن نیست، دو راه حل دیگر وجود دارد:

۱. همه کشورهای و جوامع اسلامی، شورایی متشکل از دانشمندان، فقها و مفتیان اعظمی که با اندیشه تقریبی هستند، تشکیل دهند و این شورا برای تقریب و همبستگی جوامع اسلامی بکوشد و در مسائل بزرگ و مبتلا به، فتوای دینی و مذهبی که متناسب با مصالح امت اسلامی است صادر کند.

۲. جوامع اسلامی - همچون سران کشورها که گاهی جلسه دارند - به صورت اصولی و اساسی شورایی تشکیل دهند و اعضای این شورا در مسائل مهم بین‌المللی و منطقه‌ای به شور و مشورت پردازند و در سیاست خارجی شان موضع مشترک و واحدی اتخاذ کنند.

شناسایی کانون فساد و منشأ اختلاف

یکی از دقت‌ها و موشکافی‌های امام خمینی در باب راهکارهای وحدت، شناسایی کانون فساد و منشأ اختلاف است. از دیدگاه ایشان می‌توان اینگونه برداشت کرد که ما نباید خود را درگیر مسائل ظاهری و سطحی اختلاف‌ها کنیم، باید ریشه‌های اصلی را پیدا کنیم و بخشکانیم. ایشان با هرگونه حرکتی که باعث انحراف افکار ملت از مجرم اصلی شود به مقابله برمی‌خیزند و به روشنگری و ارائه مسیر صحیح مبارزه می‌پردازند. نمونه‌های فراوانی از عملکرد امام نشان می‌دهد که به‌جای پرداختن به امور سطحی و اصلاح انحراف‌های ظاهری، به اصل و منشأ آن‌ها هجوم می‌برد. مثلاً هنگام طرح کتاب شهید جاوید در مجامع علمی و طرفداری عده‌ای از محتوای کتاب و مخالفت برخی دیگر، می‌فرمایند:

«قضیه مرحوم شمس‌آبادی شما خیال کردید یک چیز عادی بود این همه جز همان‌ها بود که با طریق‌های مختلف این‌ها می‌آمدند و درست می‌کردند. یک وقت شهید جاوید را پیش می‌آوردند، از این طرف و از آن طرف و یک ماه محرم و صفر و بیشتر منبرها همه خرج این می‌شد که شهید جاوید یعنی چی. از این طرف یک دسته‌ای تأیید از آن طرف یک دسته‌ای تکذیب. یک قدری که این سست می‌شد، باز یک چیز دیگری درست می‌کردند. مرحوم شمس‌آبادی هم از این امور بود که شاید هم خودشان این کار را کردند (من نمی‌دانم) که یکی کسی را بکشند و صدا دریاورند یک دسته از آن طرف و یک دسته از این طرف و بساط درست کنند و یک قدری که این کمتر می‌شد آن وقت یک کس دیگر را به میدان می‌آوردند که این کتاب‌هایش چطور است. او می‌گفت کافر است، این می‌گفت مسلمان است. آن دیگری می‌گفت کافری است از ابوجهل بدتر. اما نقشه توی کار است. آن‌هایی که این‌ها را درست می‌کنند نه به اسلام عقیده دارند و نه به روحانیت عقیده دارند و نه به هیچ چیز».^۳

^۱ بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۹۹.

^۲ ستوده، پا به پای آفتاب، ج ۴، ص ۴۳.

^۳ خمینی، صحیفه نور، ج ۸، ص ۴۶۰، تاریخ ۱۳۵۸/۴/۱۴.

پرداختن نویسندگان به وحدت

از راهکارهای اساسی دیگر، توجه و پرداختن نویسندگان و فرهنگیان و دانشمندان به وحدت و تولید کتاب‌ها و دیگر آثاری است که در زمینه وحدت و همبستگی باشند و جامعه اسلامی را به همدلی فرا بخوانند. ایشان در یکی از سخنان خود می‌فرمایند: «ای آقای محترم می‌که این صفحات را جمع‌آوری نمودید و به نظر علمای بلاد و گویندگان رساندید؛ خوب است یک کتابی فراهم آورید که جمع تفرقه آنان را برکند و همه را در مقاصد اسلامی همراه کرده از همه امضا می‌گرفتید که اگر در یک گوشه مملکت به دین جساراتی می‌شد همه یک‌دل و یک‌جهت از تمام کشور قیام می‌کردند»^۱.

برنامه ریزی و انجام کارهای تشکیلاتی

یکی از تأثیرگذارترین راهکارهای وحدت، برنامه‌ریزی، ایجاد انجمن‌ها و انجام کارهای تشکیلاتی در مسیر همبستگی است. تلاش‌های فردی هرچند هم با جدیت باشد، مثمر نیست. حضرت امام این مهم را به‌خوبی دریافته بود و تمام فعالیت‌های ایشان در طول مبارزه ضد استعماری خارجی و ضد استثماری داخلی، نشان از برنامه‌ریزی، سیاستگذاری و انجام فعالیت‌های تشکیلاتی است. مثلاً پس از رحلت مرحوم آیت‌الله بروجردی، شاه تلگرامی به نجف فرستاد و وانمود کرد که در ایران مرجع متشخص و شخص مطرحی وجود ندارد و سپس به غائله لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی پرداخت. امام همه علمای مطرح آن روز را دعوت می‌کنند و در منزل مرحوم حاج شیخ مرتضی حائری برای برنامه‌ریزی اساسی و مقابله جمعی و تشکیلاتی با این مسئله جلسه‌ای تشکیل می‌دهند.^۲ از طرف دیگر، نامه‌های بسیاری به شهرهای مختلف می‌نویسند و از علما و روحانیون هر شهر می‌خواهند هفته‌ای یک شب تشکیل جلسه داده و با مشورت و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری اصولی، برای مقابله با حوادث پیش آمده موضع واحدی اتخاذ کنند.^۳

جلوگیری از اهانت

یکی از عوامل خطرناک تفرقه و اختلاف، توهین و افترا به افراد، جامعه و یا مذهب و اعتقاد دیگران است. راهکار اصولی در این زمینه نیز از بین بردن این عامل است. امام پس از آزادی از زندان در سال ۱۳۴۳ وقتی متوجه می‌شوند در بین طلاب جوان صحبت‌هایی در هجو و بدگویی از بعضی از مراجعی که با امام همراهی نکرده‌اند رایج شده است، به‌شدت برآشفته می‌شوند و می‌فرمایند: «آقایان متوجه باشید اگر چنانچه با کلمه‌ای به یک نفر از مراجع اسلام اهانت شود، بین او و خدای تبارک و تعالی ولایت منقطع می‌شود. فحش دادن به مراجع بزرگ ما را کوچک فرض می‌کنید؟ اگر به واسطه بعضی از جهالت‌ها لطمه‌ای بر این نهضت بزرگ وارد بشود معاقبید پیش خدای تبارک و تعالی. توبه‌تان مشکل است قبول بشود چون به حیثیت اسلام لطمه وارد می‌شود. اگر کسی به من اهانت کرد سیلی به صورت من زد، سیلی به صورت اولاد من زد، والله تعالی راضی نیستم در مقابل او کسی بایستد دفاع کند، راضی نیستم.»^۴

^۱ همان، ج ۱، ص ۲۱، تاریخ ۲۳/جمادی الاولی/۱۳۶۲

^۲ بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۹۹

^۳ همان، ص ۱۴۹.

^۴ ستوده، پا به پای آفتاب، ج ۴، ص ۴۳.

امام با این از خود گذشتگی مانع ایجاد تفرقه در صفوف مبارزان و شکاف بین جمع می‌شوند و توطئه عواملی که به شکستن وحدت میان طلاب و روحانیون و مراجع امید بسته بودند خنثی می‌گردد.

احترام متقابل

یکی از مهم‌ترین راهکارهای همبستگی و همدلی، احترام متقابل به همدیگر است. دو فرد و یا دو جامعه و یا دو مذهب و اعتقاد ممکن است تفاوت‌ها و تمایزاتی داشته باشند. راه مسالمت‌زیستی و همبستگی این است که نسبت به هم روابط احترام‌آمیز متقابل داشته باشند. این مسئله در بین گروه‌های مختلف یک جامعه و حتی افراد یک خانواده نیز صادق است. احترام متقابل موجب همدلی و وحدت می‌گردد. حضرت امام درباره احترام متقابل گروه‌های مختلف جامعه، به‌خصوص روحانیان و روشنفکران و دانشگاهیان می‌فرماید: «لازم است طبقات محترم روحانی و دانشگاهی، با هم احترام متقابل داشته باشند. جوانان روشنفکر دانشگاه‌ها به روحانیت و روحانیون احترام بگذارند خداوند تعالی آن‌ها را محترم شمرده و اهل بیت وحی سفارش آن‌ها را به ملت فرموده است. روحانیت قدرت بزرگی است که با از دست دادن آن خدای نخواستار پایه‌های اسلام فرو می‌ریزد و قدرت جبار دشمن بی‌معارض می‌شود. متأسفانه در جوامع اسلامی دست‌هایی دست به هم داده‌اند که نگذارند آن‌ها به همبستگی و همدلی برسند و همواره در بین گروه‌های مختلف جوامع اسلامی تفرقه و اختلاف به‌وجود می‌آورند. روحانیان را به روشنفکران و جوانان و دانشمندان دانشگاهی و روشنفکر را به دین و یا روحانیون بدبین می‌کنند.»^۱

تمسک به مشترکات

مسلمان‌ها و مذاهب مختلف اسلامی و همین‌طور اسلام با دیگر ادیان توحیدی مشترکات بسیاری دارند که تمسک به این مشترکات می‌تواند یکی از راهکارهای اساسی وحدت و همبستگی جوامع انسانی یا اسلامی باشد. امام نیز بارها با تکیه و تمسک به وجوه مشترک در جهت ایجاد وحدت بین مسلمانان و حتی غیرمسلمانان همه را دعوت به وحدت می‌کردند. ایشان در پیامی که به مناسبت عید میلاد مسیح برای مسیحیان جهان فرستاد، با استناد به آیاتی از قرآن و انجیل به مشترکاتی از مسیحیت و اسلام تمسک کرد و آن‌ها را به وحدت دعوت نمود: «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط ولا یجرمنکم شنئان قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی و اتقوا لله ان الله خبیر بما تعملون».

«خوشا به حال آنان که گرسنه و تشنه عدالت‌اند، از آن رو که سیر نخواهند شد.» (انجیل متی)

«خوشا به حال آنان که از بهر عدالت زحمت می‌کشند، به سبب آنکه مملکت آسمانی از آن‌هاست.» (انجیل متی)

«عید سعید میلاد مسیح پیامبر عظیم‌الشان که برای طرفداری مظلومان و برقراری عدل و رحمت مبعوث و با گفتار آسمانی و کردار ملکوتی خود، ظالمان و ستمکاران را محکوم و مظلومان و مستضعفان را پشتیبانی فرمود، بر ملتهای مستضعف جهان و ملت مسیح و مسیحیان هم میهن مبارک باد. هان ای پدران کلیسا و روحانیان تابع حضرت عیسی، به‌پاخیزید و از مظلومان جهان و مستضعفان گرفتار در چنگال مستکبران

^۱ صحیفه امام، ج ۳، ص ۲۲۵، تاریخ ۱۳۵۶/۱۱/۲۴.

پشتیبانی کنید و برای رضای خدا و پیروی دستور حضرت مسیح یک بار ناقوسها را در معابدتان به نفع مظلومان ایران و محکوم نمودن ستمگران به صدا درآورید»^۱.

حضرت امام در این پیام، مسیحیان را به طرفداری مظلومان و مستضعفان و برقراری عدل و رحمت و دوری و بیزارگی از ظالمان و ستمکاران که مشترکات آموزه‌های دین اسلام و دین مسیحیت است، فرا می‌خواند. ایشان در دیدار با کلیمیان و زرتشتیان و مسیحیان ایران، با استناد به رسالت انبیای الهی در نفی ظلم و رفع تبعیض و برافراشتن پرچم توحید و عدالت و تهذیب اخلاق مردم، آن‌ها را به این مشترکات دعوت می‌نماید.^۲

پرهیز از مسائل تفرقه افکن

از راهکارهای مهم همبستگی، پرداختن به مسائل و پرهیز از امور تفرقه افکن است. امام به مصالح امت اسلامی همواره توجه می‌کرد و از حرکاتی که فایده‌ای جز ایجاد تفرقه در صفوف مسلمانان ندارد به شدت پرهیز می‌نمود. یکی از اموری که امروزه برخی از عوامل تفرقه افکن خارجی در جوامع اسلامی دامن می‌زنند و عده‌ای از بی‌خبران داخلی نیز آن را تکرار می‌کنند، مسئله خلافت و ولایت امیرالمومنین (ع) است. امام در یکی از سخنانشان می‌فرماید: «امروز سر خلافت امیرالمومنین (ع) اختلاف کردن، خیانت به اسلام است»^۳. و همچنین در پیام‌هایی که برای حجاج ایرانی می‌فرستند، می‌فرماید: «لازم است برادران ایرانی و شیعیان سایر کشورها از اعمال جاهلانه که موجب تفرقه صفوف مسلمین است احتراز کنند و لازم است در جماعات اهل سنت حاضر شوند و از انعقاد و تشکیل نماز جماعت در منازل و گذاشتن بلندگوهایی مخالف رویه اجتناب نمایند»^۴.

«در وقتی که در مسجد الحرام یا مسجد النبی نماز جماعت منعقد شد مؤمنین نباید از آنجا خارج شوند و باید از جماعت تخلف نکنند و با سایر مسلمین به جماعت نماز بخوانند»^۵. از نظر حضرت امام، پرهیز از اختلاف و تمسک به وحدت و همبستگی مسلمانان به قدری اهمیت دارد که در فتوایی می‌فرماید: «در وقوفین متابعت از حکم قضات اهل سنت لازم و مجزی است اگرچه قطع به خلاف داشته باشید»^۶.

ایجاد حکومت اسلامی

از کاربردی‌ترین راهکارهای وحدت، اقدام عملی در جهت ایجاد وحدت و همبستگی است. وحدت با آرزو و تخیل انجام نمی‌پذیرد. اگر واقعاً می‌خواهیم به وحدت حقیقت دست یابیم، باید بکوشیم در عمل وارد صحنه شویم و گام‌های عملی و کاربردی در این زمینه برداریم. تشکیل حکومت اسلامی یکی از این اقدامات عملی است. حضرت امام می‌فرماید: «ما برای اینکه وحدت امت اسلام را تأمین کنیم، برای اینکه وطن اسلام را از تصرف و نفوذ استعمارگران و دولت‌های دست‌نشانده آن‌ها خارج و آزاد کنیم، راهی نداریم جز اینکه تشکیل حکومت بدهیم. چون به منظور تحقق وحدت و آزادی ملت‌های مسلمان بایستی حکومت‌های

^۱ همان‌جا.

^۲ همان، ج ۱۱، ص ۳۷۵-۳۷۷، تاریخ ۱۳۵۸/۱۰/۲.

^۳ همان، ج ۱۷، ص ۹۸، تاریخ ۱۳۶۱/۸/۲۷.

^۴ همان، ج ۸، ص ۴۸۱، تاریخ ۱۳۵۸/۴/۱۵.

^۵ همان، ج ۱۰، ص ۶۱، تاریخ ۱۳۵۸/۶/۲۹.

^۶ همان، ج ۱۲، ص ۲۵۷.

ظالم و دست‌نشانده را سرنگون کنیم و پس از آن، حکومت عادلانه اسلامی را که در خدمت مردم است به وجود آوریم. تشکیل حکومت برای حفظ نظام و وحدت مسلمانان است، چنان که حضرت زهرا در خطبه خود می‌فرماید که امامت برای حفظ نظام و تبدیل افتراق مسلمانان به اتحاد است.^۱

اهتمام به امور مسلمانان در جهان

مسلمانان باید به سرنوشت همدیگر حساس باشند و به مصائب و مشکلاتشان ابراز احساسات نمایند. مسلمانان خارج از حوزه جغرافیای خاص خودشان، به امور مشترک دینی و باورهای ایمانی خود اهتمام به خرج دهند. حضرت امام با تعیین آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به‌عنوان روز «جهانی قدس» و «روز اسلام»، اهتمام خاص خود به امور مسلمانان را نشان دادند و نقطه عطفی در اتحاد میان مسلمانان جهان ایجاد کردند که هر روز و هر سال بر عظمت و ابهت این روز افزوده می‌شود. امام در این باره می‌فرماید: «روز قدس، روز اسلام است. روز قدس، روزی است که اسلام را باید احیا کرد و احیا بکنیم و قوانین اسلام در ممالک اسلامی اجرا بشود. روز قدس، روزی است که باید به همه ابرقدرت‌ها هشدار بدهیم که اسلام دیگر تحت سیطره به‌واسطه عمال خبیث شما واقع نخواهد شد».^۲

بیداری و قاطعیت در برابر دشمنان و تفرقه‌افکنان

از نظر حضرت امام، بیداری در مقابل دشمن، آگاهی از توطئه‌ها و برنامه‌های تفرقه‌افکنانه آنان و برخورد قاطع و دندان‌شکن با آنها، موجب اتحاد و همبستگی مسلمانان می‌گردد. موضع بسیار به حق امام با فتوای تاریخی و برخورد قاطع مبنی بر حکم ارتداد و اعلام حکم قتل سلمان رشدی که مورد اتفاق همه فرق مسلمانان است، باعث احیای اسلام و اتحاد مسلمانان در برابر دشمنان شد. پرداختن به این‌گونه امور از مسائلی است که مسلمانان را می‌تواند گردهم آورد و ریشه اختلاف و پایه توطئه دشمنان را از بن برگند.

ایمان به هدف و بیداری امت اسلامی

یکی از راهکارهای وحدت این است که ما به هدف امیدوار باشیم، ایجاد وحدت امت اسلامی و بیداری جوامع مسلمان از خواب غفلتی که آنان را فرا گرفته است، برای ما خواب و خیال نباشد، بلکه آن را هدف تحقق یافتنی و در دسترس بدانیم. امام با تمام وجود و با الهام و اعتقاد به وعده اجتناب‌ناپذیر الهی مبنی بر پیروزی مستضعفان بر مستکبران و امامت و رهبری آنان بر روی زمین، اولاً خود ایمان راسخ به آینده و تحقق وعده الهی و پیروزی و بیداری ملل مستضعف دارند، ثانیاً، با تکیه بر ایمان و اعتقاد محکم خویش، همواره ملل اسلامی و مستضعف جهان را امید به پیروزی و آینده‌نگری می‌دهد و همیشه از «آینده روشن» و «بیداری امت اسلامی» و همبستگی و اقتدار آنان به‌عنوان قاعده‌ای تخلف‌ناپذیر و امید بزرگ یاد می‌نماید و مکرر به این حقیقت اشاره می‌کند. ایشان در سخنانی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی می‌فرماید: «خداوند پیروزی مستضعفین بر مستکبرین را

^۱ صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۶۲، تاریخ ۱۳۵۸/۶/۲۹

^۲ ولایت فقیه، ص ۲۷

وعده کرده و آن‌ها را امامان روی زمین قرار خواهد داد و این وعده الهی نزدیک است و امیدواریم ما شاهد آن باشیم».^۱

ایشان همچنین در مناسبت‌های مختلف و در دیدار با گروه‌ها و اصناف مختلف جامعه، به این حقیقت اشاره می‌نماید. در دیدار اعضای جنبش امل، اواخر سال ۱۹۸۰،^۲ در پاسخ به نامه گروهی از دانشجویان مسلمان در اروپا،^۳ در دیدار با افسران پاکستانی، اوایل سال ۱۹۷۹،^۴ در جمع خانواده‌های شهدا،^۵ در پیامی به انجمن اسلامی دانشجویان در کانادا و آمریکا،^۶ در پاسخ به پیام دهمین نشست اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا^۷ و... از قیام همگانی مستضعفان جهان، بیداری ملل اسلامی، پیروزی مستضعفان بر مستکبران، زمینه‌سازی حکومت جهانی مهدی آخرالزمان (عج)، تحقق وعده تخلص‌ناپذیر الهی و به انزوا کشیده شدن قدرت‌های شیطانی، یاد می‌کند.

نتیجه‌گیری

با عنایت به آموزه‌های دینی و آثار عملی وحدت و انسجام اسلامی، ضرورت این امر روشن و بدیهی است و به نظر می‌رسد لزوم تلاش برای تحقق عملی وحدت و دوری از تفرقه، جای هیچ‌گونه شک و تردیدی ندارد و محل هیچ نوع تأمل و بحثی نیست. اما به دلیل برخی از زمینه‌های تفاوت، چه در عقاید و اصول و چه در احکام فرعی، این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که وحدت بر چه محور و مبنایی و چگونه انجام شود و راهکارهای تحقق وحدت چیست؟ اندیشمندان و نخبگان فکری جهان اسلام بسیار کوشیده‌اند که راهکارهای مؤثری در این زمینه ارائه دهند و راه عملی وحدت را هموار سازند. بدون شک از جمله برجسته‌ترین فرهیختگان علمی و عملی این میدان، دو دانشمند مبارز، امام خمینی و سیدجمال‌الدین اسدآبادی هستند که هر دو تلاش‌های بی‌شماری برای تقریب امت اسلامی و برقراری مجد و عظمت اسلام، انجام دادند و سعی بلیغی برای رفع تفرقه کردند و راهکارهای عملی و مؤثری برای تحقق وحدت و انسجام اسلامی ارائه نمودند.

اگر بخواهیم راهکارهای سیدجمال‌الدین را به صورت خلاصه ترسیم کنیم، می‌توانیم بگوییم ایشان طرح بسیار جامع و فراگیری را در دستور کار علمی و عملی خویش قرار داد. از یک طرف با دولت‌ها ارتباط برقرار نمود و طرح ایجاد «وحدت از بالا» را سرمشق فعالیت‌های خود قرار داد. او در این عرصه، «طرح ائتلاف و تقریب دولت‌های مسلمان» و «ایجاد حکومت واحد اسلامی» را ارائه داد و برای تحقق عملی آن، پیگیری‌های بسیار فعال و مصرانه را با دستگاه خلافت عثمانی نیز آغاز نمود. از طرف دیگر، به ملت رو آورد و به طرح ایجاد «وحدت از پایین» دلخوش کرد و به نخبگان علمی و دانشمندان چشم دوخت و راهکارهایی همچون «همبستگی و ارتباط عالمان دینی و متفکران اسلامی»، «ایجاد مرکزیت دینی و گفتمانی» و «سازماندهی درجات علمی و وظایف علما» را برای این قشر ارائه نمود و از زاویه دیگر، تنها به اسلام اندیشید و راهکارهای

^۱ صحیفه امام، ج ۹، ص ۲۷۷، تاریخ ۱۳۵۸/۵/۲۵

^۲ همان، ج ۱، ص ۲۴.

^۳ همان، ج ۱۵، ص ۳۶۰.

^۴ همان، ج ۶، ص ۲۸.

^۵ همان، ج ۱۰، ص ۶۹.

^۶ همان، ج ۱۵، ص ۲۲۱.

^۷ در جستجوی راه از کلام امام، دفتر ۱، ص ۱۰

«اتحاد بر محور قرآن» و «بازگشت به اسلام راستین» را مطرح نمود. چون هیچ نوع فعالیت اجتماعی بدون تشکیلات به سامان نمی‌رسد، لذا راهکارهای «ایجاد تشکیلات» و «ایجاد کنگره و مؤتمر اسلامی» را نیز ضمیمه راهکارهای خود نمود تا طرح جامع ایشان به طور کامل فراگیری خود را حفظ کند. از این لحاظ که رسیدن به هدف، مستلزم رفع موانع است، ایشان راهکار دیگری با عنوان «شناسایی عوامل تفرقه و طرد و نفی آن‌ها» را نیز به راهکارهایش افزود.

حتی اگر سید در اجرای تمام طرح‌ها و راهکارهای خود به موفقیت کامل دست نیافته باشد، می‌توان گفت حرکت و راهکارهای بسیار مؤثر وی سه نتیجه روشن و قابل توجه را برای جامعه اسلامی به ارمغان آورد:

۱. باعث تقویت روح اتحاد و اخوت مسلمانان جهان اسلام گردید؛

۲. موجب رشد و شکوفایی حرکت‌ها و جنبش‌های طرفدار اتحاد اسلامی شد؛

۳. از همه مهم‌تر، پیروان برجسته‌ای چون کواکبی، رؤسای الازهر، شیخ عبدالقادر مغربی، اقبال لاهوری و... پیدا کرد که هر یک پلایه‌دار اتحاد اسلامی شدند و راه و آرمان سید را پس از وی دنبال کردند.^۱

گرچه تمام راهکارهای حضرت امام برای تحقق وحدت و همگرایی اسلامی در یک مقاله مختصر نمی‌گنجد، اما کلیت آن را می‌توان به صورت خلاصه ارائه داد. ایشان همچون سید جمال‌الدین، یکی از راهکارهای اساسی وحدت اسلامی را «ایجاد حکومت اسلامی» می‌دانست. حضرت امام برای تحقق این راهکار دست به دامن و آستان حاکمان هم‌عصر خود نگردید، بلکه در یک حرکت استثنایی و بی‌نظیر، حکومت غیر اسلامی، ظالم و غاصب دوران خویش را سرنگون ساخت و به دست خود حکومت اسلامی تأسیس نمود و اصل «ولایت فقیه» را پشتوانه نظری آن قرار داد که ولایت عام، مشروعیت سیاسی و متصدی بودن خود در امور را به ولی مطلق و حاکم یگانه پیوند می‌زند. این حکومت اگر می‌خواست به وحدت اسلامی برسد، «رهبری واحد» می‌طلبید؛ لذا حضرت امام، نخستین و مهم‌ترین راهکار خود برای تحقق همگرایی اسلامی را «رهبری واحد» معرفی نمود. در سایه رهبر واحد است که راهکارهای دیگر روح می‌گیرد و کارایی خود را حفظ می‌کند.

امام خمینی همچون سید جمال‌الدین، به کارهای تشکیلاتی عنایتی خاصی داشت و «برنامه‌ریزی و انجام کارهای تشکیلاتی» را جز راهکارهای مؤثر همگرایی می‌شمرد. تمام فعالیت‌های عملی ایشان در براندازی حکومت چندصدساله طاغوت، نشان از برنامه‌ریزی دقیق و انجام کارهای پیشرفته تشکیلاتی است. یک دسته از راهکارهای امام با توجه به دشمن و منشأ اختلاف است. نگاه ژرف‌بین امام خمینی از سطح و ظاهر عبور می‌کند و عمق مطلب را می‌کاود و بدین‌سان راهکار «شناسایی کانون فساد و منشأ اختلاف» را مطرح می‌سازد و از «مسائل تفرقه‌افکن» بر حذر می‌دارد و درباره «دشمنان و تفرقه‌افکنان» هشدار می‌دهد و «بیداری و قاطعیت در برابر آنان» را یادآوری می‌نماید. به صورت کلی، به «ایمان به هدف و بیداری امت اسلامی» تأکید می‌کند و «اهتمام به امور مسلمانان در جهان» را از دیگر راهکارهای وحدت بر می‌شمارد و به مسلمانان توصیه می‌کند که برای تحقق وحدت و همگرایی «احترام متقابل» داشته باشند و «از اهانت» به همدیگر خودداری نمایند و به جای طرح مسائل تفرقه‌برافکن، «تمسک به مشترکات» داشته باشند. حضرت امام نقش نخبگان و فرهیختگان را برجسته می‌داند و از نویسندگان دعوت می‌نماید که برای تحقق وحدت و همگرایی، دست به قلم شوند و جامعه اسلامی را به وحدت و همدلی فرا بخوانند.

^۱ طباطبایی، نقش سید جمال‌الدین در بیداری مشرق زمین، ص ۹۳-۱۲۸. وی زندگی‌نامه اجمالی عده‌ای از افراد فوق را آورده است.

به طور کلی می توان گفت، حضرت امام نیز همچون سیدجمال الدین، درد و ضعف ملت اسلامی را در تفرقه می داند و مجد و عظمت را در وحدت و همدلی. بدین سان راهکارهای مؤثری برای تحقق همگرایی و همدلی ملت اسلامی ارائه می دهد و خود نیز پای در میدان می نهد و بسیاری از آن راهکارها را تحقق می بخشد و جامه عمل می پوشاند. راهکارهای حضرت امام نیز، چنان که بیان شد، راهکارهایی فراگیر است و از دولت گرفته تا تک تک افراد را در بر می گیرد و برای آن ها وظیفه معین می کند. در این سازوکار، نخبگان، فرهنگیان و اهل قلم باید به بیداری ملت پردازند، سیاستمداران به تشکیل حکومت اسلامی بیندیشند و تک تک افراد جامعه با چشم باز و با دقت و ژرف اندیشی، دشمنان و دوستان خود را بشناسند و با ایمان به هدف و تحقق بیداری امت اسلامی حرکت و جوش همگرایی را آغاز نمایند. در این ساختار و این راهکار تفاوت ها نادیده گرفته نمی شود. مسلمانان می توانند با زبان و بیان نرم و احترام متقابل تفاوت ها را مطرح کنند و از اهانت به دیگری به شدت پرهیز نمایند، تا زمینه گفت و گو و در نتیجه اخوت و همدلی مهیا گردد. در این صورت است که امت واحده اسلامی تحقق خواهد یافت.



منابع و مآخذ

- آهنگ، محمدکاظم، *سیر ژورنالیزم در افغانستان*، ج ۱، کابل: انجمن تاریخ و ادب افغانستان اکادمی، ۱۳۴۹.
- احمد امین، *زعماء الاصلاح فی عصر الحدیث*، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۳۶۳ هـ.ق.
- ستوده، امیررضا، *پا به پای آفتاب*، تهران، پنجره، ۱۳۸۸.
- حسینی طباطبایی، مصطفی، *شیخ محمد عبده مصلح بزرگ مصر*، تهران: انتشارات قلم، ۱۳۶۲.
- خمینی، روح‌الله، *صحیفه نور*، تهران: انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹.
- _____، *ولایت فقیه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۴.
- _____، *در جستجوی راه از کلام امام*، دفتر اول، تهران، مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- دولت آبادی، یحیی، *حیات یحیی*، تهران: انتشارات جاویدان، ج ۱، ۱۳۸۵.
- رشتیا، سیدقاسم، *سیدجمال‌الدین افغانی و افغانستان*، کابل: مؤسسه انتشارات بیهقی، ۱۳۵۵.
- روحانی، سید حمید، *نهضت امام خمینی (ره)*، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۱.
- رئیس کرمی، سیدعلی، *سیدجمال‌الدین اسدآبادی و همبستگی جهان اسلام*، زاهدان: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت سیستان و بلوچستان، معاونت سیاسی و اجتماعی، ۱۳۸۲.
- ساسانی، خان ملک، *سیاستگران دوره قاجار*، تهران: انتشارات هدایت، ۱۳۷۰.
- سیدجمال‌الدین الحسینی، *نامه‌ها و اسناد سیاسی - تاریخی*، به کوشش سیدهادی خسروشاهی، قاهره: مکتبه الشروق الدولیه، ۲۰۰۲/۱۴۲۳.
- سیدجمال‌الدین، محمد عبده، *العروها الوثقی*، بیروت: دارالکتب العربی،
- سیدجمال‌الدین، *مقالات جمالیه*، به کوشش ابوالحسن جمالی، تهران: طلوع آزادی، ۱۳۵۵.
- طوسی، محمد بن حسن (شیخ مفید)، *امالی*، ترجمه صادق حسن زاده، ج ۱، قم: اندیشه هادی، ۱۳۸۸.
- عنایت، حمید، *سیری در اندیشه سیاسی عرب*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۵.
- غبار، غلام محمد: *افغانستان در مسیر تاریخ*، ج ۲، تهران، انتشارات جمهوری، ۱۳۷۴.
- جیرانی، غلام: «سید جمال‌الدین اسدآبادی» مجله کابل، سال اول، شماره ۲، ص ۳۵.
- محمود، محمود، *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس*، ج ۵، تهران: اقبال، ۱۳۴۵.
- محیط طباطبایی، محمد، *نقش سیدجمال‌الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۵۲.
- مهدوی، اصغر و ایرج افشار، *اسناد و مدارک درباره سیدجمال‌الدین اسدآبادی*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲.
- واثقی، صدر، *سیدجمال‌الدین حسینی پایه‌گذار نهضت‌های اسلامی*، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۸.